وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

خلاصه اجرایی

طرح‌های پژوهشی

عنوان طرح: پیمایش ملی سنجش مشغولیت دانشجویی در دانشگاه‌های ایران

گروه پژوهشی: آینده‌پژوهی و نظریه‌پردازی در آموزش عالی

مجری: رضا منیعی

ناظر: عباس بازرگان

سال اجرا: ۱۳۹۶

خلاصه اجرایی:

مقدمه

سنجش مشغولیت دانشجویی[1] به عنوان رویکردی نوین در سنجش کیفیت آموزش عالی بسیار مطرح و مورد توجه است، چرا که بهبود کیفیت آموزش عالی مستلزم توجه به دانشجویان، کنش‌ها و مشارکت‌های آنان در طول دوره تحصیلی‌شان است.

بر اساس نظر کاه (۲۰۰۹الف) مشغولیت دانشجویی به معنای تلاش دانشجویان و مدت زمانی که آنها برای انجام دادن فعالیت‌های مطلوب دانشگاهی صرف می‌کنند و نیز اقداماتی است که مؤسسات آموزش عالی انجام می‌دهند تا دانشجویان را به مشارکت بیشتر در فعالیت‌های علمی ترغیب کنند.

بر اساس آخرین پژوهش‌ها سازه مشغولیت دانشجویی ۴ بعد (مولفه) دارد که این ۴ بعد شامل چالش علمی[2]، یادگیری با همتایان[3]، تجربه با استادان[4] و محیط دانشگاهی[5] است. هر یک از این ابعاد دارای نشانگرهایی است که در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: ابعاد و نشانگرهای مشغولیت دانشجویی

	ابعاد (مولفه)	نشانگر
مشغولیت دانشجویی	چالش علمی	یادگیری سطح بالا
		یادگیری متأملانه و یکپارچه
		راهبردهای یادگیری
		استدلال کمی
	یادگیری با همتایان	یادگیری مشارکتی
		مباحثه با دیگری متفاوت
	تجربه با استادان	تعامل دانشجو-استاد
		تجارب آموزش اثربخش
	محیط دانشگاهی	کیفیت تعاملات
		محیط حمایتگر

اهداف پژوهش

هدف کلی: شناخت وضعیت مشغولیت دانشجویی در ابعاد مختلف در دانشگاه‌های ایران به منظور کمک به بهبود نظام برنامه‌ریزی و سیاستگذاری آموزش عالی و دانشگاه‌ها

اهداف جزئی:

- سنجش میزان مشغولیت دانشجویی بر حسب جنسیت، گروه عمده تحصیلی، پایگاه اجتماعی و سابقه تحصیلی در دانشگاه‌های ایران
- سنجش وضعیت چالش علمی بر حسب جنسیت، گروه عمده تحصیلی، پایگاه اجتماعی و سابقه تحصیلی در دانشگاه‌های ایران
- سنجش وضعیت یادگیری با همتایان بر حسب جنسیت، گروه عمده تحصیلی، پایگاه اجتماعی و سابقه تحصیلی در دانشگاه‌های ایران
- سنجش وضعیت تجربه با استادان بر حسب جنسیت، گروه عمده تحصیلی، پایگاه اجتماعی و سابقه تحصیلی در دانشگاه‌های ایران
- سنجش وضعیت محیط دانشگاه بر حسب جنسیت، گروه عمده تحصیلی، پایگاه اجتماعی و سابقه تحصیلی در دانشگاه‌های ایران

سوالات پژوهش

سوال اصلی: وضعیت هر یک از ابعاد مشغولیت دانشجویی در دانشگاههای ایران چگونه است؟

---

[1]. Student Engagement
[2] Academic Challenge
[3] Learning with Peers
[4] Experiences with Faculty
[5] Campus Environment

سوالات جزیی:

- میزان مشغولیت دانشجویی بر حسب جنسیت، گروه عمده تحصیلی، پایگاه اجتماعی و سابقه تحصیلی در دانشگاه‌های ایران چه اندازه است؟
- وضعیت چالش علمی بر حسب جنسیت، گروه عمده تحصیلی، پایگاه اجتماعی و سابقه تحصیلی در دانشگاه های ایران چه اندازه است؟
- وضعیت یادگیری با همتایان بر حسب جنسیت، گروه عمده تحصیلی، پایگاه اجتماعی و سابقه تحصیلی در دانشگاه‌های ایران چه اندازه است؟
- وضعیت تجربه با استادان بر حسب جنسیت، گروه عمده تحصیلی، پایگاه اجتماعی و سابقه تحصیلی در دانشگاه های ایران چه اندازه است؟
- وضعیت محیط دانشگاه بر حسب جنسیت، گروه عمده تحصیلی، پایگاه اجتماعی و سابقه تحصیلی در دانشگاه‌های ایران چه اندازه است؟

روش‌شناسی

با توجه به هدف، ماهیت و موضوع پژوهش حاضر که در آن به بررسی و اندازه‌گیری مشغولیت دانشجویی دانشگاه‌های ایران در سطح ملی پرداخته شده، روش تحقیق، توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی است. برای اندازه‌گیری ابعاد مشغولیت دانشجویی از پرسشنامه استاندارد بومی‌سازی شده استفاده شده است. همچنین به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای متناسب با حجم انتخاب استفاده شد و با توجه به فرمول کوکران تعداد ۲۵۰۰ دانشجو به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. دانشگاه‌های انتخاب شده در این تحقیق از مناطق ده گانه آمایشی شامل دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه تهران، دانشگاه الزهرا، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه گیلان، دانشگاه تبریز، دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)، دانشگاه کرمانشاه، دانشگاه یزد، دانشگاه شیراز، دانشگاه هرمزگان، دانشگاه سمنان و دانشگاه شهید چمران اهواز است. همچنین به منظور بررسی نشانگرهای مشغولیت دانشجویی و مقایسه آن با کشورهای دیگر مقادیر نشانگرها بین ۰ تا ۶۰ محاسبه شده‌اند.

یافته‌ها

۱- جدول زیر نشانگرهای مشغولیت دانشجویی را که برای اولین بار در ایران بدست آمده است را به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول ۲: نشانگرهای مشغولیت دانشجویی در ایران (مقادیر بین ۰ تا ۶۰ هستند)

ابعاد	نشانگر	مقدار نشانگر
چالش علمی	یادگیری سطح بالا	۲۸.۳۸
	یادگیری متأملانه و یکپارچه	۳۲.۳۱
	راهبردهای یادگیری	۳۲.۷۱
	استدلال کمی	۲۳.۳۵
یادگیری با همتایان	یادگیری مشارکتی	۳۱.۸۳
	مباحثه با دیگری متفاوت	۳۶.۵۵
تجربه با استادان	تعامل دانشجو - استاد	۲۳.۴۷
	تجارب آموزش اثربخش	۲۹.۱۵
محیط دانشگاهی	کیفیت تعاملات	۲۷.۰۷
	محیط حمایتگر	۲۱.۹۵

نشانگرهای دهگانه مشغولیت دانشجویی بیانگر فاصله زیاد وضعیت موجود با وضعیت ایده‌آل است. مقادیر محاسبه شده برای نشانگرها که مقیاس آن بین صفر تا ۶۰ است، حاکی از آن است که بالاترین نشانگر مربوط به "مباحثه با دیگری متفاوت" با مقدار

۳۶.۵۵ و کمترین مقدار مربوط به "محیط حمایتگر" با مقدار ۲۱.۹۵ است؛ یعنی در دانشگاه دانشجویان تمایل دارند با افراد متفاوت از قومیت، نژاد، طبقه اقتصادی، عقاید مذهبی و دیدگاه های سیاسی گفت و گو کنند و این میزان نسبت به نشانگرهای دیگر بالاتر است. مشغولیت دانشجویی توام با تنوع، با آگاهی و فهم بالایی از مقولات قومی و نژادی مرتبط است و می‌تواند به تجربه‌های بهتر آموزشی بینجامد. تنوع نه تنها به پیشرفت تحصیلی دانشجویان کمک می کند، بلکه می تواند تفکر آنها را درباره خودشان، دیگران و نیز طبیعت فعالیت‌هایشان بپروراند.

بنابراین، اگرچه مقدار نشانگر مباحثه با دیگری متفاوت نسبت به نشانگرهای دیگر بالاتر است، اما دانشجویان بر این باورند که دانشگاه حمایت ضعیفی از موفقیت تحصیلی، خدمات آموزشی، مشارکت اجتماعی، رفاه، سلامت، فعالیتهای ورزشی، هنری، تفریحی، اشتغال و افزایش ارتباطات و تعاملات اجتماعی آنها دارد. به نظر می‌رسد که برای ارتقای مشغولیت دانشجویی، دانشگاه باید در برنامه‌های حمایتی خود بازنگری، نقد کند و آنها را بهبود و توسعه دهد.

از ده نشانگر مشغولیت دانشجویی که به طور عمده حول مقدار متوسط (مقدار۳۰) هستند، چهار مورد آن کمی بیش از مقدار متوسط و ۶ مورد آن کمتر از مقدار متوسط هستند. در مجموع، نشانگر مشغولیت که نشان دهنده صرف وقت و تلاش دانشجو برای انجام دادن فعالیتهای مطلوب دانشگاهی و نیز احساس مشروعیت و حمایت توسط دانشگاه است، کمتر از حد متوسط است و وضعیت مطلوبی ندارد. نشانگرها نشان می دهد که اگرچه دانشجویان چالش و دغدغه علمی دارند و سعی می کنند با همتایان خود مباحث را یاد بگیرند، اما با توجه به سطح پایین کیفیت تعاملات با استادان و دانشگاه و ضعف در محیط حمایتگر دانشگاه، یادگیری مطلوب اتفاق نمی‌افتد.

مقدار پایین نشانگر استدلال کمی (۲۳.۳۵) نشان می دهد که دانشجویان در تکالیف درسی، تحلیل ها و ارزیابی های خود، از اطلاعات عددی و آماری بسیار کم و در حد ناچیزی استفاده می کنند. بنابراین، دانشگاه ها باید سطح توان استدلال کمی دانشجویان را ارتقا دهند.

۲- مقایسه نشانگرهای مشغولیت دانشجویی بین کشورهای ایران و ایالات متحده نشان می‌دهد:

جدول ۳ : شاخص های مشغولیت دانشجویی به تفکیک دو کشور ایران و ایالات متحده

ابعاد	شاخص	میانگین	
		ایران	ایالات متحده
چالش علمی	یادگیری سطح بالا	۲۸.۳۸	۳۸.۹۸
	یادگیری متأملانه و یکپارچه	۳۲.۳۱	۳۶.۵۷
	راهبردهای یادگیری	۳۲.۷۱	۳۸.۳۷
	استدلال کمی	۲۳.۳۵	۲۸.۷۰
یادگیری با همتایان	یادگیری مشارکتی	۳۱.۸۳	۳۲.۲۷
	مباحثه با دیگری متفاوت	۳۶.۵۵	۳۹.۹۱
تجربه با استادان	تعامل دانشجو - استاد	۲۳.۴۷	۲۲.۴۹
	تجارب آموزش اثربخش	۲۹.۱۵	۳۹.۰۵
محیط دانشگاهی	کیفیت تعاملات	۲۷.۰۷	۴۱.۷۸
	محیط حمایتگر	۲۱.۹۵	۳۳.۷۵

۲-۱. یادگیری سطح بالا در دانشگاه‌های ایران نسبت به دانشگاه‌های ایالات متحده اختلاف زیادی دارد. به‌طوری که در کشور ایران، این مقدار بیش از ۱۰ واحد کمتر از دانشگاه‌های ایالات متحده است. این مهم نشان می‌دهد که دانشجویان ایرانی بیشتر به حفظ کردن مطالب درسی می‌پردازند تا تحلیل عمیق، ارزیابی و به کارگیری آموخته‌ها. به عبارت دیگر، یادگیری سطح بالا در کشور ایران مشکل دارد و این نشان‌دهنده حافظه‌گرایی و خرده بینی در آموزش عالی کشور است.

۲-۲. یادگیری متأملانه و یکپارچه در دانشگاه‌های ایران نسبت به دانشگاه‌های ایالات متحده کمتر است (بیش از ۴ واحد کمتر است)؛ یعنی دانشجویان ایرانی توان کمتری نسبت به دانشجویان ایالات متحده در تلفیق و ربط دادن آموخته‌ها به موضوعات، مسایل پیرامونی، دانش و تجربیات قبلی دارند.

۲-۳. راهبردهای یادگیری در دانشگاه‌های ایران نسبت به دانشگاه‌های ایالات متحده کمتر است (نزدیک به ۶ واحد کمتر است) و این نشان می‌دهد که دانشجویان ایرانی کمتر به راهبردهای یادگیری از قبیل تشخیص اطلاعات کلیدی و مهم، مرور جزوات و یادداشت‌ها پس از اتمام کلاس و خلاصه‌نویسی مطالب آموخته شده نسبت به دانشجویان ایالات متحده اهمیت می‌دهند.

۲-۴. سطح استدلال کمی در دانشجویان دانشگاه‌های ایران نسبت به دانشگاه های ایالات متحده کمتر است (بیش از ۵ واحد کمتر است) و این بدان معناست که اگرچه سطح استدلال کمی در دانشجویان دانشگاه‌های کشور ایران و ایالات متحده نسبت به نشانگرهای دیگر پایین تر و به عنوان چالشی در دو کشور مطرح است، اما دانشجویان ایرانی توان کمتری نسبت به دانشجویان ایالات متحده در استفاده از آمار و ارقام، تحلیل اطلاعات عددی و ارزیابی آنها دارند و آنها نیازمند توسعه مهارت‌های استدلال کمی هستند.

۲-۵. یادگیری مشارکتی در دانشگاه‌های ایالات متحده با اختلاف بسیار کمی از دانشگاه‌های ایران بیشتر است (۰.۴۴ واحد بیشتر است). فعالیت در کارهای یادگیری گروهی، درخواست از دیگران برای کمک در حل مسایل دشوار درسی یا توضیح این مسائل برای دیگران و آماده شدن برای امتحانات، همگی نشان‌دهنده فعالیت‌های یادگیری جمعی هستند که تقریبا میان دانشجویان دو کشور برابر است. اما نکته قابل توجه کیفیت تعاملات است که در دانشجویان ایرانی بسیار پایین‌تر از دانشجویان ایالات متحده است. بنابراین اگرچه روحیه یادگیری مشارکتی در بین دانشجویان ایرانی وجود دارد اما به دلیل پایین بودن کیفیت تعاملات اثربخشی لازم را نداشته است.

۲-۶. دانشگاه‌ها فرصت‌های جدیدی را برای تعامل دانشجویان با کسانی که زمینه و تجارب متفاوت دارند و یادگیری آنان مهیا می‌نماید. تعاملات متنوع داخل و خارج از کلاس درس فرصت بی‌نظیری را برای دانشجویان فراهم و آنها را برای مشارکت فردی و اجتماعی در جهانی متفاوت آماده می‌کند. پژوهش حاضر نشان داد که مباحثه با دیگری متفاوت در دانشجویان دانشگاه‌های ایران نسبت به دانشجویان دانشگاه‌های ایالات متحده کمتر است (بیش از ۳ واحد کمتر است). این بدان معناست که دانشجویان ایرانی تمایل کمتری دارند تا با افراد متفاوت از قوم، نژاد، دین، فرهنگ، طبقه اقتصادی، عقاید مذهبی و دیدگاه‌های سیاسی خود مباحثه کنند.

۲-۷. یکی از نشانگرهای دیگر در سنجش مشغولیت دانشجویی، نشانگر تعامل دانشجو-استاد است. این نشانگر برای هر دو کشور ایران و ایالات متحده در سطح بسیار پایینی قراردارد و حتی در کشور ایالات متحده کمی پایین تر از ایران است (حدود ۱ واحد کمتر است). گفت و گوی دانشجویان با استادان در خصوص بهبود عملکرد تحصیلی، آینده شغلی و حرفه‌ای، مطالب درسی و غیردرسی در خارج از کلاس درس و همکاری مشترک در فعالیتهای خارج از تکالیف درسی، فرصت کسب تجربه را برای دانشجویان فراهم می کند و می تواند به ارتقای مهارت‌های دانشجویان بینجامد. بنابراین نتایج نشان داد که نه تنها مقدار این نشانگر کم، یعنی تعامل دانشجو – استاد در سطح نامناسب است، بلکه کیفیت این تعاملات نیز در دانشگاه‌های ایران پایین است. رشد تعداد دانشجویان در سال‌های اخیر و افزایش نسبت دانشجو به هیئت علمی و کم فرصتی اعضای هیئت علمی از یک سو و افت کیفی دانشجویان از مهمترین دلایل این امر است.

۲-۸. تجربه آموزش اثربخش از دیگر نشانگرهای سنجش مشغولیت دانشجویی است. اینکه استادان با روشی سازمان یافته، منظم، شفاف و ساده به دانشجویان کمک کنند تا درک بهتری از مطالب داشته باشند و آموزش اثربخش و مفیدی را تجربه کنند، بسیار با ارزش است. تجربه آموزش اثربخش در دانشگاه‌های ایران با دانشگاه‌های ایالات متحده اختلاف زیادی دارد. به طوری که در دانشگاه‌های ایران حدود ۱۰ واحد کمتر از دانشگاه‌های ایالات متحده است. این امر نشان می‌دهد که تجربه آموزش اثربخش از نگاه دانشجویان ایرانی در حد مناسب و قابل قبولی نیست و این حکایت از ضعف جدی اثربخشی آموزش دانشگاهی دارد و یکی از شواهد آن بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی است.

۲-۹. از نشانگرهای دیگر سنجش مشغولیت دانشجویی کیفیت تعاملات است. تعاملات دانشجو با دانشجو، اعضای هیئت علمی، مشاوران تحصیلی و کارکنان اداری است. مقدار این نشانگر در دانشگاه‌های ایران اختلاف زیادی با دانشگاه های آمریکا دارد (حدود ۱۵ واحد کمتر است) و در بین نشانگرهای موجود این نشانگر نسبت به نشانگرهای دیگر اختلاف چشمگیری دارد. شاید بتوان گفت فرهنگ سازمانی و کاری، خلقیات و ریشه‌های فرهنگی دلیل آن باشد.

جو دانشگاه از طریق روابط مناسب و مثبت افراد شکل می‌گیرد که می‌تواند به موفقیت و یادگیری بهتر دانشجویان منتهی شود. دانشجویانی که مشتاق به برقراری روابط شایسته با همتایان، کادر آموزشی، مشاوران و کارکنان اداری هستند، در کمک گرفتن هنگام نیاز بسیار تواناتر از دیگر دانشجویان هستند و این را از محیط خود فرا می‌گیرند.

در مجموع، کیفیت تعاملات دانشجویان در دانشگاه‌های ایران مناسب نیست و با توجه به شکاف بسیار زیاد این تعاملات نسبت به دانشجویان ایالات متحده نیازمند توجه به این امر است.

۲-۱۰. میزان حمایتی که دانشگاه‌ها از دانشجویان خود دارند و نقشی که در موفقیت تحصیلی، گسترش تعاملات، فرصت‌های مشارکت اجتماعی، رفاه، سلامت، مشاوره، تفریح، ورزش و مسئولیت‌های غیر دانشگاهی دانشجویان دارند، بسیار قابل توجه است. دانشگاه باید حمایتگر و یاری بخش دانشجویان باشد. از این رو محیط حمایتگر که از دیگر نشانگرهای مشغولیت دانشجویی است، نقش چشمگیری در ارتقای مشغولیت دانشجویان دارد. مقدار این نشانگر در دانشگاه‌های ایران اختلاف زیادی با دانشگاه‌های آمریکا دارد (حدود ۱۲ واحد کمتر است). به نظر می‌رسد پیچیدگی‌های اداری، ناکافی بودن زیرساخت‌ها و برنامه‌های آموزشی، تفریحی، ورزشی، هنری، مشاوره‌ای و فضای بسته دانشگاهی به نامناسب بودن سطح حمایتی دانشگاه از منظر دانشجویان منجر شده است. بنابراین دانشگاه باید سطح حمایت خود را از دانشجویان ارتقا دهد و حامی جدی دانشجویان برای موفقیت تحصیلی باشد و زمینه‌های لازم را برای تشویق و ترغیب دانشجویان در فعالیت‌های آموزشی، کمک آموزشی، ورزشی، هنری، تفریحی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مهیا سازد و به توانمندسازی دانشجویان در مسئولیتهای غیر دانشگاهی مانند خانواده و کار نیز کمک کند. همچنین به آزادسازی فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای مشارکت بیشتر دانشجویان مبادرت ورزد.

۳- امروزه پیامدهای یادگیری از اهمیت ویژه ای برخوردار است و یکی از مهمترین انتظارات از دانشگاه این است که بتواند دانش، مهارت و توسعه شخصی را در میان دانشجویان افزایش دهد و اینکه تجربه تحصیل در دانشگاه چقدر توانسته این موارد را افزایش دهد نتایج نشان می‌دهد که تقریبا در وضعیت متوسطی است. درک کردن افراد متفاوت از نظر اقتصادی، قومی، نژادی، سیاسی، دینی، ملیتی و سخن گفتن شفاف و مؤثر مقادیر بیشتری نسبت به سایر گویه ها دارد و تجزیه و تحلیل اطلاعات عددی و آماری و دستیابی به دانش و مهارت‌های مرتبط با شغل یا کار کمترین مقادیر داشته اند.

بنابراین به نظر می‌رسد که با توجه به وضعیت بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی، دانشجویان انتظار دارند که دانشگاه بیشتر به ارتقای مهارت‌های مرتبط با شغل دانشجویان توجه کند.

۴- در خصوص اینکه دانشجویان چه مقدار از زمان خود را به طور متوسط در یک هفته برای آماده شدن حضور در کلاس درس صرف می‌کنند، می توان گفت که دانشجویان در هفته ۱۰ ساعت و ۹ دقیقه از زمان خود را برای آماده شدن حضور در کلاس درس (مطالعه، نوشتن، انجام دادن تکالیف یا کار آزمایشگاهی، تجزیه و تحلیل داده‌ها، تمرین و دیگر فعالیت‌های دانشگاهی) صرف می‌کنند که این میزان کمتر از زمان صرف شده برای استراحت و تفریحات اجتماعی (گذراندن اوقات فراغت با دوستان، بازیهای کامپیوتری، تماشای تلویزیون، شبکه‌های اجتماعی، چت کردن، وبگردی و ...) با ۱۲ ساعت و ۳۲ دقیقه است. همچنین آنها ۷ ساعت و ۴۵ دقیقه در هفته برای رفت و آمد به دانشگاه (رانندگی، پیاده‌روی و ...) وقت می‌گذارند که زمان قابل توجهی است.

۵-نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بیشتر دانشجویان به یادگیری علاقه‌مند هستند، اما از مطالبی که در دانشگاه یاد می‌گیرند خیلی رضایت ندارند. به نظر می‌رسد که انتظارات دانشجویان از دانشگاه با واقعیت موجود فرق دارد و به همین دلیل آنها از اینکه در دانشگاه مشغول تحصیل هستند، خیلی احساس شادمانی و غرور نمی کنند.

۶- بررسی تفاوت نشانگرهای مشغولیت دانشجویی بین زنان و مردان نشان می دهد که در پنج نشانگر یادگیری سطح بالا، یادگیری متأملانه و یکپارچه، مباحثه با دیگری متفاوت، تجارب آموزش اثربخش و محیط حمایتگر تفاوت معناداری وجود ندارد. اما در راهبردهای یادگیری، استدلال کمی، یادگیری مشارکتی، تعامل دانشجو- استاد و کیفیت تعاملات، تفاوت معنادار است.

با توجه به نتایج پژوهش در خصوص مشغولیت دانشجویی بین زنان و مردان، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۶-۱. مقدار نشانگر راهبردهای یادگیری برای زنان بیشتر از مردان است و به نظر می‌رسد که دانشجویان زن به راهبردهای یادگیری از قبیل تشخیص نکات مهم و کلیدی، خلاصه‌نویسی از مطالب آموخته شده و مرور جزوات نسبت به مرد اهمیت بیشتری می‌دهند.

۶-۲. مقدار نشانگر استدلال کمی برای دانشجویان مرد بیشتر از دانشجویان زن است (حدود ۲ واحد)؛ و این بدان معنا است که دانشجویان مرد توانایی بیشتری در استفاده از آمار و ارقام، تحلیل‌های آماری و ارزیابی داده‌ها نسبت به دانشجویان زن دارند.

۶-۳. مقدار نشانگر یادگیری مشارکتی برای دانشجویان مرد بیشتر از دانشجویان زن است (بیش از ۲ واحد)؛ یعنی دانشجویان مرد مشارکت بیشتری با دانشجویان دیگر در درک فهم بهتر مطالب درسی، همکاری برای اجرای پروژه‌های درسی، آماده شدن برای امتحان نسبت به دانشجویان زن دارند.

۶-۴. مقدار نشانگر تعامل استاد-دانشجو نیز برای دانشجویان مرد بیشتر از دانشجویان زن است (بیش از ۲ واحد)؛ یعنی دانشجویان مرد تعامل بیشتری با استادان در خصوص بهبود عملکرد تحصیلی خود، ایده‌های جدید، همکاری های خارج از تکالیف درسی و راهنمایی خواستن در خصوص برنامه‌های شغلی و حرفه‌ای خود نسبت به دانشجویان زن دارند.

۷- مقدار نشانگر کیفیت تعاملات برای دانشجویان زن بیشتر از دانشجویان مرد است؛ یعنی دانشجویان زن نسبت به دانشجویان مرد، تعاملات با کیفیت‌تری را با دانشجویان دیگر، استادان، مشاوران و کارکنان دانشگاه دارند.

۶-۶. بررسی تفاوت نشانگرهای مشغولیت دانشجویی بین دانشجویان ترم اول و دانشجویان ترم‌های دیگر نشان می‌دهد که در سه نشانگر استدلال کمی، کیفیت تعاملات و محیط حمایتگر، تفاوت معنادار است و در باقی نشانگرها اینگونه نیست. این بدان معنا است که در طی تحصیل دانشجویان و دانشگاه‌ها نتوانسته‌اند نشانگرها را بهبود بخشند. اما در طی تحصیل سطح استدلال کمی و کیفیت تعاملات دانشجویان افزایش یافته است (بیش از ۲ واحد) اما سطح حمایتی دانشگاه کاهش یافته است.

۸- بررسی تفاوت نشانگرهای مشغولیت دانشجویی بین دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد نشان می‌دهد که در سه نشانگر یادگیری مشارکتی، مباحثه با دیگری متفاوت و تجارب آموزش اثربخش تفاوت معنادار نیست. اگرچه در یادگیری مشارکتی و مباحثه با دیگری متفاوت ممکن است به روحیات و خلقیات دانشجویان و فضایی که دانشگاه ایجاد کرده است، مرتبط باشد و در سطوح بالاتر تحصیل نیز این نشانگرها ارتقا پیدا نکند، اما تجارب آموزش اثربخش نیز در سطوح بالاتر تحصیل ایجاد نشده است. در نشانگرهای دیگر بجز نشانگر محیط حمایتگر، این مقدار برای دانشجویان دوره کارشناسی ارشد بیشتر از دوره کارشناسی است.

۹- بررسی تفاوت نشانگرهای مشغولیت دانشجویی به تفکیک گروه عمده تحصیلی نشان می‌دهد که در بین نشانگرهای مشغولیت بجز مباحثه با دیگری متفاوت و محیط حمایتگر در باقی نشانگرها تفاوت وجود دارد؛ یعنی دانشگاه برای همه گروه‌های تحصیلی رویکردی یکسان دارد و امکانات، حمایت‌ها، مشاوره‌ها و ... از منظر دانشجویان تقریبا یکسان است. همچنین نبود تفاوت معنادار بین گروه های تحصیلی در نشانگر مباحثه با دیگری متفاوت نشان می‌دهد که تقریبا این موضوع به خلق و خوی دانشجویان مرتبط و بین این گروه‌ها تقریبا برابر بوده است.

یافته های پژوهش نشان می دهد که:

- یادگیری سطح بالا و یادگیری متأملانه و یکپارچه در گروه هنر و علوم انسانی بیشتر از گروه‌های دیگر است.
- استدلال کمی در دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی، علوم پایه و کشاورزی و دامپزشکی بیشتر از گروه‌های تحصیلی دیگر است.
- در گروه های تحصیلی فنی و مهندسی، علوم پایه و هنر یادگیری مشارکتی در سطح بالاتری از گروه های تحصیلی دیگر است.

- تعامل استاد – دانشجو در گروه‌های تحصیلی هنر، کشاورزی و دامپزشکی و علوم انسانی بیشتر از گروه‌های تحصیلی دیگر است.
- دانشجویان رشته‌های هنر تجارب اثربخش‌تری از آموزش نسبت به دانشجویان گروه‌های تحصیلی دیگر تجربه کرده‌اند.
- دانشجویان هنر و کشاورزی و دامپزشکی تعاملات با کیفیت‌تری نسبت به گروه‌های تحصیلی دیگر داشته‌اند.

۱۰- ماهیت گروه های تحصیلی در نشانگرهای مشغولیت نقش دارند. بطوری که علوم مهندسی و دقیقه سطح استدلال کمی بالاتری دارند و این کاملا به ماهیت رشته های آنها مرتبط است و یا در گروه های علوم انسانی و هنر یادگیری سطح بالاتری اتفاق افتاده است. دانشجویان رشته‌های هنر با توجه به اینکه در فعالیتهای آموزشی خود، تلاش می‌کنند که یک اثر هنری (نقاشی، طراحی، گرافیک، موسیقی و ...) خلق کنند، علاوه بر اینکه تعاملات بیشتری با استادان و دیگران دارند، احساس مفید و اثربخش بودن و نیز تجربه بهتری از دانشگاه به همراه دارند.

۱۰-بررسی تفاوت نشانگرهای مشغولیت دانشجویی به تفکیک سطح تحصیلات پدر نشان می‌دهد که در میان نشانگرهای مشغولیت دانشجویی، یادگیری سطح بالا، تعامل دانشجو - استاد و محیط حمایتگر دارای تفاوت معنادار است. دانشجویانی که سطح تحصیلات پدرشان بالاتر بوده است، اذعان داشته‌اند که علاوه بر تعامل بیشتر با استادان، یادگیری بهتری در دانشگاه داشته‌اند و همچنین محیط دانشگاه را بیشتر از دانشجویان دیگر حمایتگر دانسته‌اند. به نظر می رسد که فرهنگ خانواده و زمینه و شرایطی که دانشجویان در آن رشد کرده اند، در تعامل دانشجویان با استادان و یادگیری آنها نقش مهمی دارد و همچنین آنها از امکانات حمایتی دانشگاه بیشتر بهره برده اند.

۱۲- بررسی تفاوت نشانگرهای مشغولیت دانشجویی به تفکیک سطح تحصیلات مادر نشان می‌دهد که در میان نشانگرهای مشغولیت دانشجویی یادگیری متأملانه و یکپارچه، تجارب آموزش اثربخش، تعامل دانشجو – استاد، استدلال کمی و محیط حمایتگر دارای تفاوت معنادار است. دانشجویانی که سطح تحصیلات مادرانشان بالاتر بوده است، ابراز کرده‌اند که علاوه بر تعامل بیشتر با استادان، یادگیری بهتر و تجربه آموزشی مفیدتری در دانشگاه داشته‌اند و همچنین محیط دانشگاه را بیشتر از دانشجویان دیگر حمایتگر دانسته‌اند. به نظر می رسد که فرهنگ خانواده و زمینه و شرایطی که دانشجویان در آن رشد کرده‌اند، در تعامل دانشجویان با استادان و یادگیری آنها نقش مهمی دارد و همچنین آنها از امکانات حمایتی دانشگاه بیشتر بهره برده‌اند.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

اهم توصیه‌های سیاستی

۱- یکی از مهم ترین یافته‌های این پژوهش آن است که از منظر دانشجویان سطح حمایتی دانشگاه مناسب نیست. دانشگاه باید حمایتگر دانشجویان باشد و به زندگی علمی و اجتماعی دانشجویان توجه کند. بنابراین باید محیط دانشگاه حمایتگر باشد و به آن توجه ویژه شود. پیشنهاد می‌شود که آموزش عالی و دانشگاه ها به طور جدی خدمات نظام‌های آموزشی، پژوهشی و مدیریتی خود را در جهت روان‌سازی، تسهیل‌گری، مشاوره و ... ارتقا بخشند و محیط دانشگاه را جذاب و پویا کنند و از بروکراسی‌ها بکاهند.

۲- از آنجا که توان استدلال کمی دانشجویان پایین است، لازم است آموزش عالی و دانشگاه‌ها نسبت به توسعه مهارت‌های عددی و توان تحلیل آماری دانشجویان توجه کنند و از طریق اصلاح برنامه‌های درسی و یا کارگاه‌های آموزشی این بعد را ارتقا دهند.

۳- رویکرد غالب در دانشگاه‌ها مبنی بر حافظه گرایی است. دانشگاه ها باید برنامه هایی را برای ارتقای سطح یادگیری دانشجویان با روش های نوین تدریس ارائه و اجرا کنند.

۴- کیفیت تعاملات دانشجویان به خصوص با اعضای هیات علمی و کارکنان دانشگاه مناسب نیست. به نظر می‌رسد که بروکراسی‌های اداری و قوانین و مقررات دست و پاگیر مانع ایجاد این روابط خوب و مؤثر است. ارتقای فرهنگ کاری می‌تواند در بهبود تعاملات مفید و مؤثر باشد.

۵- پیامدهای یادگیری باید بیش از پیش مورد توجه دانشگاهیان قرار گیرد، به طوری که در طول تحصیل بتوان آنها را ایجاد کرد و ارتقا بخشید. دانشگاه باید بتواند مهارت‌های گفتاری، نوشتاری و دانش و مهارت‌های مرتبط با انجام دادن کار را ارتقا بخشد و به دانشجویان کمک کند تا آنها شهروندی فعال و آگاه باشند و به درک افراد دیگر با عقاید متفاوت اهتمام ورزند.

پیشنهادهای پژوهشی

۱- حسب ضرورت و نیاز به توسعه کیفی نظام آموزش عالی پیشنهاد می‌شود که شبکه پیمایش مشغولیت دانشجویان ایران (Iranian Survey of Student Engagement Network) ISSEN راه‌اندازی و هر ساله وضعیت مشغولیت دانشجویان رصد شود.

۲- این پیمایش برای سایر زیر نظام های دیگر انجام شود؛

۳- انجام دادن پیمایش مشغولیت دانشجویی برای دانشجویان دوره‌های مجازی با توجه به ماهیت این دوره‌ها نیز مفید خواهد بود؛

٤- با توجه به کمی بودن این تحقیق و محدودیت‌های ان احتمالا انجام دادن مطالعات کیفی اکتشافی و آمیخته درباره این موضوع می‌تواند به تعمیق و توسعه یافته‌ها بیشتر کمک کند.